

## الگوی پردازش روایات در *المنتخب طریحی*

علی عادل زاده<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲

### چکیده

*المنتخب فخرالدین طریحی* (۹۷۹-۱۰۸۵ یا ۱۰۸۷ق) یکی از اثرگذارترین منابع بر مقاتل متأخر و فرهنگ عزاداری است. برخی دانشمندان و محققان، ضعف این منبع را تذکر داده و گاه اشکالات تاریخی برخی روایاتش را نشان داده‌اند ولی به نقش این کتاب در تحریف روایات توجه چندانی نکرده‌اند. از این رو تاکنون تحقیقی درباره روش تحدیث طریحی در این کتاب و الگوهای حاکم بر گزارش‌های آن صورت نگرفته است. این پژوهش با بررسی کتاب *المنتخب طریحی* نشان داده است که روایات آن بر اساس الگوهای یکسانی دچار تغییر شده‌اند. مهم‌ترین این الگوها، ایجاد پیوند میان روایات مستقل و تلفیق آنها است. افزودن مقدمه و پایان‌های داستانی به روایات، افزودن اضافات توضیحی، تغییرات ایدئولوژیک در متون روایات، جایگزینی نام راویان با صحابه مشهور و مورد توجه در میان

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران. aliadelnajm@gmail.com

شیعیان از دیگر الگوهای پردازش روایات در *المنتخب طریحی* است. تکرار این الگوها در سرتاسر کتاب و در مواجهه با روایات منابع دیگر، نشان می‌دهد که این تحریفات مربوط به کتاب *المنتخب* است.

**کلیدواژه‌ها:** تحریفات عاشورا، فخرالدین طریحی، *المنتخب*، مقتل نگاری، نقد الحدیث.

### درآمد

از کتاب‌های مهم و اثرگذار در فرهنگ عزاداری عاشورا، کتاب *المنتخب* نوشته فخرالدین طریحی نجفی (۹۷۹-۱۰۸۵ یا ۱۰۸۷ ق) است. موضوع اصلی کتاب عزاداری امام حسین علیه السلام است که به مناسبت ده شب و ده روز نخست محرم در ۲۰ مجلس تنظیم شده است. هر مجلس شامل سه باب است و در هر باب مجموعه‌ای از روایات، اشعار و خطابه، با ترتیب و نظم ثابتی در کنار هم قرار گرفته‌اند.

معاصران طریحی، او را به زهد، عبادت و تقوا شناسانده‌اند (برای نمونه نک. حرّ عاملی، ۱۳۸۵: ۲/۲۱۴-۲۱۵؛ افندی، ۱۴۰۱: ۴/۳۳۲؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۳/۳۲۸) و کتاب او مورد استناد مؤلفان بعدی بوده است (بحرانی، ۱۴۱۳: ۳/۲۹۸، ۳۲۵، ۴۲۳). علامه محمد باقر مجلسی در *بحار الانوار* بارها از *المنتخب طریحی* بدون تصریح به نام آن روایت کرده است. او معمولاً از تعبیری مانند «بعض الکتب المعتمّرة» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/۱۸۷) یا «بعض مؤلفات اصحابنا» برای اشاره به این کتاب استفاده می‌کند (همان، ۳۱۰/۴۳). *المنتخب طریحی* همواره از سوی محققان تضعیف شده است. نبود نام این کتاب، در برخی منابع که از آن نقل کرده‌اند مانند *بحار الانوار* می‌تواند ناشی از همین ضعف باشد.

### پیشینه پژوهش

جعفریان و توحیدی نیا (۱۳۹۶: ۳۷-۳۸) در مقاله «بازخوانی دیدگاه‌ها و مناقشات در باب روایت شیخ طریحی از حدیث کساء» به انتقادات برخی علما مانند محدث نوری،

میرزا محمد ارباب و شیخ عباس قمی به کتاب *المنتخب طریحی* پرداخته‌اند. اسفندیاری (۱۳۸۰: ۹۷-۹۸) نیز در کتاب *تاریخی امام حسین علیه السلام* به صورت مختصر به ضعف *المنتخب طریحی* اشاره کرده و برخی انتقادات وارد به آن، اختلاف نسخ و تصرفات احتمالی را مورد بررسی قرار داده است. آلاندوزلی (۱۳۸۱: ۱۶۴-۱۶۵) در مقاله «کتابشناسی توصیفی-انتقادی پیرامون تحریف‌های عاشورا»، *المنتخب* را از جمله کتاب‌های تحریف‌ساز شمرده و نوشته است: «بسیاری از تحریف‌های عاشورا ریشه در *المنتخب طریحی* دارد و دست کم این است که با انتشار *المنتخب* آن تحریف‌ها نیز منتشر شده‌اند». آلاندوزلی سپس بنا بر دیدگاه خود، فهرستی از این تحریفات را برمی‌شمرد. موسوی (۱۴۰۱: ۶۱) *المنتخب طریحی* را در زمره منابع غیر معتبر یاد کرده است. حسینی (۱۳۸۸: ۲۸۸-۲۸۹) نیز *المنتخب طریحی* را در زمره گزارش‌های تخیلی از عاشورا دسته‌بندی کرده و آن را شامل «مطالب ضعیف و روضه‌های بی‌اساس بسیاری» که برای عوام نگاشته شده، دانسته است. رفعت (۱۴۰۰: ۱۹۳-۲۲۸) نیز در مقاله «بازخوانی و نقد روایت‌انگاره‌های طریحی در *المنتخب*» با تفصیل بیشتری به نقد این کتاب پرداخته است.

طریحی (۱۳۷۵: ۳/۴۰۶) از منابع نامعتبر بسیار بهره برده و روایات ضعیف یا مجعول زیادی نقل کرده است. این رویکرد نه تنها در *المنتخب*، بلکه در *مجمع البحرین* او نیز ورود یافته است. برای نمونه در *مجمع البحرین*، حدیث قدسی ویژه‌ای درباره روز عاشورا و فضیلت عزاداری در این روز خطاب به حضرت موسی علیه السلام نقل کرده که با مرویات او در *المنتخب* کاملاً همسواست. از آن جا که ضعف مطالب می‌تواند به دلیل استفاده از منابع ضعیف باشد، به تنهایی نمی‌تواند بیانگر نقش مؤلف در پردازش روایات باشد. لازم است به طور مستقل به این موضوع پرداخته شود که آیا خود کتاب نیز در تحریف روایات نقشی داشته است؟

برخی نویسندگان که پیش از این در پیشینه پژوهش از آنها یاد شد، اجمالاً به این موضوع توجه کرده‌اند. جعفریان و توحیدی نیا (۱۳۹۶: ۳۴-۳۵) می‌نویسند: «طریحی در این کتاب قصد نقل عین اخبار را نداشته و مقصود وی انتقال داستانی به روز و با ساختار

شورانگیز و مناسب مرثیه خوانی بوده است. این موضوع با بررسی چند خبر از این کتاب به خوبی نمایان می‌گردد. برای نمونه خبری درباره شهادت زید بن علی (متوفای ۱۲۱ق) از ابو حمزه ثمالی (متوفای نیمه قرن ۲ق) نقل می‌شود که از جهت محتوا با منبع اولیه آن یعنی تفسیرابی حمزه اختلاف دارد و یا خبری از حضرت رسول ﷺ مبنی بر خبر دادن جبرئیل به آن حضرت از زمین کربلا طرح می‌شود که این خبر نیز از جهت محتوا با آنچه در منبع اصلی آن آمده اختلاف زیادی دارد. رفعت (۱۴۰۰: ۱۹۸) نیز می‌نویسد: «طریحی با تصرف در احادیث کوشیده است آنها را ادبی و به زبان خود بیان کند» و سپس نمونه‌هایی ذکر می‌کند. با این حال تاکنون هیچ پژوهش تفصیلی درباره روش تحدیث طریحی در المنتخب و نقش احتمالی او در تحریف روایات صورت نگرفته است. بنابراین در پژوهش حاضر به سؤالات زیر پاسخ داده شده است: روش تحدیث طریحی چگونه است؟ در روایات طریحی چه تحریفاتی صورت گرفته است؟ آیا این تحریفات از الگوی مشترک و قابل تبیینی پیروی می‌کند؟ آیا می‌توان مسئولیت این تحریفات را متوجه طریحی دانست؟<sup>۱</sup>

### ۱. تلفیق و ترکیب روایات

در المنتخب طریحی گاه روایات یک کتاب و گاه روایات چند کتاب با یکدیگر تلفیق شده‌اند. این مسئله یکی از الگوهای مکرر در المنتخب است.

#### الف) تلفیق روایات پراکنده از منابع گوناگون

در المنتخب، گاه روایاتی با هم تلفیق شده‌اند که ظاهراً منابع گوناگونی داشته‌اند یا دست کم نگارنده به منبعی که آنها را در کنار هم گردآورده باشد، دست نیافته است.

برای نمونه در جدول زیر تلفیق روایتی از مشارق بُرسی با روایتی از تفسیر استرآبادی (منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام) نشان داده شده است. در ردیف یک، طریحی ضمن

۱. این جستار به نقد متنی و تاریخی روایات طریحی پرداخته، بلکه تنها به مواردی که در تبیین نقش مؤلف اثرگذار باشد، اشاره کرده است. این موارد نیز به علت حجم زیاد، احصاء نشده و تنها به چند نمونه در هر مورد اکتفا شده است. متن روایات نیز به علت مذکور، تا حد ممکن تقطیع شده است.

اختصار نقل مشارق، جمله‌ای که زیر آن خط کشده شده، را افزوده است.<sup>۱</sup> در ردیف دو، «قال» از غایب به متکلم (قلت) تغییر یافته تا اتصال دو بخش ممکن شود.

منابع اصلی	نقل طریحی	ردیف
فمن ذلك ما رواه علي بن عاصم الكوفي قال: دخلت على أبي محمد العسكري <small>عليه السلام</small> ... قال: فقلت في نفسي: ليتني أرى هذا البساط... و هذا أثر عبد مناف، و هذا أثر سيدنا رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> ، و هذا أثر أمير المؤمنين <small>عليه السلام</small> ، و هذا أثر الأوصياء من بعده إلى المهدي <small>عليه السلام</small> لأنه قد وطئه و جلس عليه. ثم قال: انظر إلى الآثار و اعلم أنها آثار دين الله... فرجعت محجوبا كما كنت (برسی، ۱۴۲۲: ۱۵۵-۱۵۶).	روی عن علي بن عاصم الكوفي الأعمى، قال: دخلت على سيدي و مولاي الحسن العسكري <small>عليه السلام</small> ... ثم قلت في قلبي: ليتني أرى هذا البساط... و هذا أثر جدي رسول الله، و هذا أثر جدي علي بن أبي طالب. قال علي بن عاصم: فأهويت على الأقدام كلها و قبلتها يد الإمام العسكري (عليه السلام)	۱
فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي عَاجِزٌ بَدَنِي عَنْ نُصْرَتِكَ، وَ لَسْتُ أَمْلِكُ إِلَّا الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ... وَ سَمِعْتُ نِدَاءَكُمْ، وَ صَلَّيْتُ عَلَى رُوحِهِ فِي الْأَرْوَاحِ، وَ جَعَلْتُهُ عِنْدِي مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱۴۷).	و قلت له: يا سيدي إني عاجز عن نصرتك بيدي، وليس أملك غير موالاتكم والبراءة من أعدائكم... و سمعت نداءكم، و صلّيت على روحه مع أرواح الأبرار، و جعلته من المصطفين الأخيار (طريحي، ۱۴۲۸: ۱۴۳-۱۴۴).	۲

در نمونه دیگر صدر حدیثی از امام حسین عليه السلام به روایت شیخ صدوق، با روایتی از حذیفه بن الیمان ترکیب شده است. در ردیف دوم، جمله‌ای که زیر آن خط کشده شده، به گونه‌ای تنظیم شده تا تلفیق دو روایت ممکن شود.

منابع اصلی	نقل طریحی
... عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> وَ عِنْدَهُ أَبِيُّ بْنُ كَعْبٍ... وَ إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَنْ يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مُصْبِحًا هُدًى وَ سَفِينَةً نَجَاةً... (ابن بابويه، ۱۳۷۸: ۵۹/۱).	روی عن الحسين <small>عليه السلام</small> أنه قال: أتيت يوما جدي رسول الله فرأيت أبي بن كعب جالسا عنده... ان الحسين المصباح الهدى و سفينه النجاه...

۱. این جمله در منبع اصلی برسی یعنی الهدایه الكبرى نیز دیده نمی شود (نک. خصیبی، ۱۴۱۹: ۳۳۵). در مقاله «رمزواره‌های نصیری در کتاب الهدایه الكبرى» نشان داده شده است که این روایت داستانی نمادین برای بیان آموزه‌های اعتقادی نصیری است که حسین بن حمدان خصیبی آن را جعل کرده است (نک. عادل زاده و اکبری، در دست نشر).

منابع اصلی	نقل طریحی
<p>وَعَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ إِخْذًا بِيَدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ... وَ مُجِبُو مُحِبِّيهِمْ فِي الْجَنَّةِ (ابن مطهر، ۱۴۱۱: ۳۰۶-۳۰۷).</p>	<p>قال: ثم ان النبي صلى الله عليه وآله وسلم أخذ بيد الحسين عليه السلام وقال: أيها الناس، هذا الحسين بن علي... و محبو محبيهم في الجنة (طريحي، ۱۴۲۸: ۱۸۵-۱۸۶).</p>

حدیث گفنگوی عمر و ابن عباس، نمونه دیگری است که در جدول زیر نشان داده شده است. ردیف یک، در منابع دیگر از جبر بن حبیب نقل شده است نه ابن عباس (ابن طاوس، ۱۴۰۰: ۲/۴۲۴). گزارش ابن حبیب به بازگشت عمر ختم می شود. اما در نقل طریحی روایت جبر بن حبیب به روایتی از ابن عباس پیوسته و برای برقراری اتصال جمله پایانی نقل ابن حبیب (فانصرف عمرو...) حذف و به جایش «فلما اراد عمر الانصراف» افزوده شده است.

منابع دیگر	نقل طریحی	ردیف
<p>... عن الحكم بن مروان عن جبر بن حبیب قال نزلت بعمر بن الخطاب نازلة... أما و الله إني و إياكم لنعرف ابن بجدتها و الخبير بها... فقال له يا أبا حفص خفض عليك من هنا و من هنا إنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ كَانَ مِيقَاتًا فأنصرف عمر و قد أظلم و وجهه كأنما ينظر من ليل (ابن طاوس، ۱۴۰۰: ۲/۴۲۴).</p>	<p>روی عن ابن عباس قال: حضرت مسأله فعجز عمر عن ردها... قال: كلنا و الله يعلم ابن بجدتها و الخبير بها... فقال: يا أبا حفص حفظ عليك من هنا و من هنا «ان يوم الفصل كان ميقاتا».</p>	۱
<p>«حدثنا أبو عمر، و أحمد بن عبد الله يرفعه، قال: مرَّ عمر بعلي عليه السلام... فقال: أونسك يا ابن عباس؟... فقال عمر: ما أكمل صاحبكم هذا لولا، فقال عبد الله لولا ماذا؟ فقال عمر: لولا حداثة سنه و كلفه بأهل بيته و بغض قريش له... فقال عمر: يا ابن عباس! أنت تغرف من بحر و تحت من صخر (أخبار الدولة العباسية، بی تا: ۱۲۹).</p>	<p>فلما أراد عمر الانصراف و قال: أونسك يا ابن عباس؟... و قال: يا ابن عباس لقد كان ابن عمك أحق بهذا الأمر لولا ثلاث، قلت و ما هي؟ قال: حداثة سنه و محبته لأهل بيته و بغض قريش له... و قال: يا ابن عباس انك لتغرف من بحر</p>	۲

در نمونه زیر روایتی از مشارق برسی<sup>۱</sup> با روایتی از ابن عباس تلفیق شده و در ردیف دو،

۱. رجب برسی نیز با وجود آن که تصریح کرده منبع او مقتل ابن طاوس است، جزئیاتی بدان افزوده است (ابن طاوس، ۱۳۴۸: ۱۲۷؛ نیز کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۴۶۵). این جزئیات ظاهراً برگرفته از روایت مائة منقبة ابن شاذان (۱۴۰۷: ۳۹) است: «... التفت عن يمين العرش... والمهدي في صحصح من نور قيام يصلون... وهو الثائر من عترتك... والمُنْتَقَم من أعدائي...»

عبارتی که زیر آن خط کشیده شده، به عنوان حلقه اتصال افزوده شده است.

نقل طریحی	نقل برسی
حکی فی بعض الأخبار أن الحسین لما سقط عن سرجه يوم الطف... سأنتقم لهذا بهذا.	قد روی ابن طاوس فی کتاب المقتل مثل هذا بعینه، و قال: إن الحسین لما سقط عن فرسه يوم الطف... إتی أنتقم لهذا بهذا من هؤلاء (برسی، ۱۴۲۲: ۳۴۳).
ثم يقول يا ملاکتی انی قتلت بئار یحیی بن زکریا سبعین ألفاً من بنی اسرائیل و سأقتل بئار الحسین بن فاطمه الزهراء سبعین ألفاً و سبعین ألفاً من بنی أمیة علی ید القائم المهدی و لهم فی الآخره عذاب عظیم (طریحی، ۱۴۲۸: ۱۳۲).	... عن ابن عباس رضی الله عنه قال: أوحى الله إلی نبيّه ﷺ أني قتلْتُ بدمِ یحیی بن زکریا سبعین ألفاً و سأقتل بالحسین ﷺ سبعین ألفاً و سبعین ألفاً (راوندی، ۱۴۰۹: ۲۱۹).

در منابع تاریخی و روایی حکایت مرگ یکی از قاتلان امام حسین علیه السلام در اثر آتش گرفتن، از سدهای روایت شده است<sup>۱</sup> (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۴ / ۲۳۳-۲۳۴). روایت سدهای در منابع کهن حداکثر دارای ۱۲۴ کلمه است؛ اما در المنتخب طریحی (۱۴۲۸: ۱۶۵-۱۶۶)، حدود ۳۹۰ کلمه نقل شده و جزئیات بسیاری به آن افزوده شده است. مثلاً در نقل طریحی، سدهای این جمله را به عنوان حدیث نبوی روایت می‌کند: «إِنَّ مَنْ طُولِبَ بِدَمٍ وَوَلَدَى الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَخَفِيفُ الْمِيزَانِ» در حالی که این جمله در واقع سخن ولید بن عتبة حاکم مدینه است (طبری، ۱۳۸۷: ۵ / ۳۴۰). همچنین در این روایت، حدیث نبوی «وَلَدَى الْحُسَيْنِ يُقْتَلُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا أَلَا وَمَنْ قَتَلَهُ يَدْخُلُ فِي تَابُوتِ مِنْ نَارٍ... فَالْوَيْلُ لَهُمْ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ» که روایتی منسوب به امام رضا علیه السلام است، از زبان سدهای نقل شده است (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۴۷). همچنین در نقل طریحی ادعا می‌شود نام آن شخص «اخنس بن زید» بوده که بر بدن امام حسین علیه السلام با اسب تاخته بود. ظاهراً اخنس بن زید تصحیف اخنس / احبش بن مرثد است. کیفیت مرگ او در منابع معتبر و کهن تریبه گونه دیگری نیز نقل شده است (مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۱۳؛ طبری، ۱۳۸۷: ۵ / ۴۵۵).

#### ب) تلفیق روایات از یک منبع مشترک

در المنتخب طریحی نمونه‌های بسیاری دیده می‌شود که روایات یک کتاب با هم

۱. مشابه این داستان از قطنه بن العلاء (شجری، ۱۴۲۲: ۱ / ۲۴۶)، یعقوب بن سلیمان (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۱۸) و یکی از موالی بنی سلامه (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۴ / ۲۳۲-۲۳۳) نیز نقل شده است.

ترکیب و تلفیق شده‌اند. این تلفیقات گاه مشکل چندانی ایجاد نمی‌کند. طریحی (۱۴۲۸: ۸۱) روایتی آورده که امیرالمؤمنین هنگامی که از کربلا گذشت، شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش را پیشگویی کرد. این روایت در واقع ترکیب و تجمیع یک روایت با بخشی از روایت دیگری است که به صورت متوالی در منابع حدیثی نقل شده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۹-۲۷۰). اما چون می‌توان هر دو روایت را دو تحریر از یک ماجرا دانست، تجمیع آن دو ناروا به نظر نمی‌رسد و این گونه تجمیع در نوشتار مورخان یا محدثان فراوان دیده می‌شود.

گاه نیز این تلفیقات می‌تواند ناشی از سهو باشد. برای نمونه طریحی (۱۴۲۸: ۸۲) چند حدیث را که در *تسلية المجالس* آمده به هم پیوسته تصوّر کرده است (قس: موسوی کرکی، ۱۴۱۸: ۲/۱۱۰-۱۱۱). همچنین برخی موارد قابل حمل بر اجتهاد نادرست است. طریحی (۱۴۲۸: ۱۲۹-۱۳۰) خطبه حضرت زینب علیها السلام را به ماجرای وفات دختر امام حسین علیه السلام در خرابه شام متصل کرده که ناسازگار و ناهماهنگ است (قس: ابن طیفور، بی تا: ۳۴-۳۶). اما موارد متعدّد دیگری نیز وجود دارد که قابل حمل بر تجمیع، سهویا اجتهاد نیست و تغییرات عمدی و آگاهانه در آن قابل شناسایی است. برای نمونه مطابق جدول زیر، طریحی خطبه‌ای از امام سجاد علیه السلام در هنگام اسارت، نقل کرده که در واقع ترکیبی از چند روایت موجود در *کشف الغمه* است. فقط ردیف ۱ و ۲ در منبع اصلی از امام سجاد علیه السلام نقل شده است. در *کشف الغمه* اشاره‌ای به اسارت امام علیه السلام نشده است اما در نقل طریحی به مناسبت فضای عزاداری، موضوع اسارت افزوده شده است. در ردیف دوم، عبارت «فوق منبره» در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله به کار رفته، در حالی که در منبع اصلی مربوط به عمر بن خطاب است. در ردیف چهارم نیز یک جمله در نقل طریحی اضافه شده است. این روایات پراکنده، در نقل طریحی با عبارت «لأنّ جدی» در ردیف دو و حروف عطف در ردیف سه به هم پیوسته‌اند.

ردیف	المنتخب طریحی	کشف الغمه
۱	و عن علی بن الحسین <small>علیه السلام</small> أنه كان يقول و هو فی أسر بنی أمیة أیها الناس: ان کل صمت لیس فیہ ... فأکرمونا لأجل رسول الله.	و روى أنّ علی بن الحسین <small>علیه السلام</small> قال ذات یوم معاشیر الناس إنّ کل صمت لیس فیہ ... فأخفظونا لرسول الله قال فرأیت الناس ینکون من کل جانب (اربلی، ۱۳۸۱: ۵۱/۱).



ردیف	المنتخب طریحی	کشف الغمه
۲	لأن جدی رسول الله ﷺ كان يقول فوق منبره: «احفظوني في عترتي و أهل بيتي فمن حفظني حفظه الله و من آذاني فعليه لعنة الله».	وَ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَى عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ... فَخَطَبَ النَّاسَ وَ هُوَ جَالِسٌ عَلَى الْمِنْبَرِ مَعَهُ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ ﷺ يَقُولُ: «احفظوني في عترتي و ذرّيتي فمن حفظني فيهم حفظه الله الالغنة الله على من آذاني فيهم الالغنة الله على من آذاني فيهم ثلاثاً» (اربلى، ۴۱۶/۱:۱۳۸۱).
۳	و نحن و الله أهل بيت أذهب الله عنا الرجس و الفواحش ما ظهر منها و ما بطن.	وَ قَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ قَدْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنَّا الرِّجْسَ وَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ. (اربلى، ۱۳۸۱: ۵۳/۱).
۴	و نحن و الله أهل بيت اختار لنا الآخرة و زوى عنا الدنيا و لذاتها و لم يمتعنا بلذاتها (طريحي، ۱۴۲۸: ۲۱۹).	ابْنُ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ اخْتَارَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا (اربلى، ۱۳۸۱: ۵۳/۱).

در نمونه زیر سه حدیث متوالی از کشف الیقین با هم ترکیب شده و برای برقراری پیوند و ارتباط، عبارت «لعن الله قاتله» به فقره اول افزوده شده است.

نقل طریحی	کشف الیقین
روی فی بعض الأخبار عن الصحابة الأخیار قال: رأيتُ النَّبِيَّ ﷺ يَمْضُ لِعَابِ الْحُسَيْنِ كَمَا يَمْضُ الرَّجُلُ السُّكَّرَةَ وَ هُوَ يَقُولُ: حُسَيْنٌ مِثِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا وَ أَبْغَضَ اللَّهُ مَنْ أَبْغَضَ حُسَيْنًا حُسَيْنٌ سِنْبَطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ.	وَ عَنْ يَعْلَى الْعَامِرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حُسَيْنٌ مِثِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا حُسَيْنٌ سِنْبَطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ.
فَنَزَلَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ قَتَلَ بِيحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا سَبْعِينَ أَلْفًا مِنَ الْمُتَعْتِدِينَ وَ سَيَقْتُلُ بِابْنِ ابْنَتِكَ الْحُسَيْنِ سَبْعِينَ أَلْفًا مِنْ الْمُتَعْتِدِينَ.	وَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: نَزَلَ جَبْرَائِيلُ عَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ ﷺ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَتَلَ بِيحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا سَبْعِينَ أَلْفًا وَ إِنَّهُ قَاتِلُ ابْنِ ابْنَتِكَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعِينَ أَلْفًا.
وَ إِنَّ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ وَ يَكُونُ عَلَيْهِ نِصْفُ عَذَابِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ قَدْ شُدَّتْ يَدَاهُ وَ رِجْلَاهُ بِسَلْسِلٍ مِنْ نَارٍ وَ هُوَ مُنْكَسٍ عَلَى أُمِّ رَأْسِهِ فِي قَعْرِ جَهَنَّمَ وَ لَهُ رِيحٌ يَتَعَوَّذُ أَهْلُ النَّارِ مِنْ شِدَّةِ تَنْبِيهِ وَ هُوَ فِيهَا خَالِدٌ دَائِقٌ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ لَا يَفْتَرُّ عَنْهُ وَ يُسْقَى مِنْ حَمِيمِ جَهَنَّمَ (طريحي، ۱۴۲۸: ۵۱).	وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَاتِلُ الْحُسَيْنِ فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ عَلَيْهِ نِصْفُ عَذَابِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ قَدْ شُدَّتْ يَدَاهُ وَ رِجْلَاهُ بِسَلْسِلٍ مِنْ نَارٍ مُنْكَسٍ فِي النَّارِ حَتَّى يَقَعَ فِي قَعْرِ جَهَنَّمَ وَ لَهُ رِيحٌ يَتَعَوَّذُ أَهْلُ النَّارِ إِلَى رَبِّهِمْ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ شِدَّةِ رِيحِ تَنْبِيهِ وَ هُوَ فِيهَا خَالِدٌ دَائِقٌ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ لَا يَفْتَرُّ عَنْهُ سَاعَةً وَ يُسْقَى مِنْ حَمِيمِ

نقل طریحی	کشف الیقین
	جَهَنَّمَ الْوَيْلُ لَهُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (ابن مطهر، ۱۴۱۱: ۳۰۵-۳۰۷).

در نمونه زیر طریحی حدیث جبرئیل و ملک دیگری را با هم ترکیب کرده و برای برقراری پیوند، جمله‌ای که در جدول زیر آن خط کشیده شده، در ردیف دوم افزوده شده است.

ردیف	طریحی	تسلیه المجالس
۱	و رُوِيَ عن الصادق <small>عليه السلام</small> أَيْضاً فِي بَعْضِ الْأَخْبَارِ أَنَّ مَلَكاً مِنْ مَلَائِكَةِ الصَّفِّ الْأَعْلَى... وَ يَكُونُ مُخَلِّداً فِي النَّارِ.	قال المسور بن مخرمة: و لقد أتى النبي <small>صلى الله عليه وآله</small> ملك من ملائكة الصفيح الأعلى... فيكون من أصحاب النار (موسوی کرکی، ۱۴۱۸: ۱۱۳/۲-۱۱۴).
۲	فَبَكَى النَّبِيُّ بُكَاءً شَدِيداً وَ قَالَ أَيْهَا الْمَلَكُ هَلْ تُفْلِحُ أُمَّةٌ يَقْتُلُ وَ لَدَى وَ فَرِحَ ابْنَتِي قَالَ لَا يَا مُحَمَّدُ بَلْ يَزِمِيهِمُ اللَّهُ بِاخْتِلَافِ قُلُوبِهِمْ وَ أَسْتَيْهِمُ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْأَخِرَةِ عَذَابٌ أَلِيمٌ (طریحی، ۱۴۲۸: ۵۱-۵۲).	روى بالاسناد: أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: هبط علي جبرائيل عليه السلام... فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: حبيبي جبرائيل، و هل تفلح أمة تقتل فرخي و فرخ ابنتي؟ فقال: لا، بل يضربهم الله بالاختلاف، فتختلف قلوبهم و ألسنتهم آخر الدهر (موسوی کرکی، ۱۴۱۸: ۱۱۱/۲).

در نمونه زیر سه روایت کاملاً مستقل از کامل الزیارات با هم ترکیب شده است. در ردیف دوم برای برقراری ارتباط، خطاب به عایشه افزوده شده است.

نقل طریحی	کامل الزیارات
روى عن الامام الصادق <small>عليه السلام</small> أنه قال: كان الحسين عليه السلام يوماً فى حجر جده رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> و هو يلاعبه... فقالت له عائشه:... حتى بلغ سبعين حجة من حج رسول الله.	... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: كَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ <small>عليه السلام</small> ذَاتَ يَوْمٍ فِي حَجْرِ النَّبِيِّ <small>صلى الله عليه وآله</small> يَلَاعِبُهُ وَ يُصَاحِبُهُ فَقَالَتْ عَائِشَةُ... حَتَّى بَلَغَ تِسْعِينَ حِجَّةً مِنْ حَجِّجِ رَسُولِ اللَّهِ <small>صلى الله عليه وآله</small> بِأَعْمَارِهَا (ابن قولويه، ۱۳۵۶: ۶۸).
ثم قال ص يا عائشه: من أراد الله به الخير قذف في قلبه محبة الحسين عليه السلام و حب زيارته.	... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ: مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ <small>عليه السلام</small> وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ وَ مَنْ أَرَادَ... (ابن قولويه، ۱۳۵۶: ۱۴۲).
و من زار الحسين عارفاً بحقه كتبه الله من أعلى عليين مع الملائكة المقربين (طریحی، ۱۴۲۸: ۱۷۸).	... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> قَالَ قَالَ: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ <small>عليه السلام</small> عَارِفاً بِحَقِّهِ كَتَبَهُ اللَّهُ فِي أَعْلَى عَلِيَّيْنِ (ابن قولويه، ۱۳۵۶: ۱۴۸).

در نمونه زیر طریحی پنج روایت مستقل از مناقب ابن شهر آشوب را با هم ترکیب کرده است. در ردیف دو، برای برقراری پیوند، عبارتی که زیر آن خط دارد را افزوده است.



همچنین تعبیر «قلیلات العیوب» (= زنان کم عیب) را کافی ندانسته و به «عدیّات العیوب» (زنان بی عیب) تغییر داده است. در ردیف چهار، مطالب صححه گفتگوی امام حسن علیه السلام و یزید را از هم سفره بودن به خطبه خوانی بالای منبر تغییر داده است! همچنین جمالتی افزوده که در مناقب ابن شهر آشوب نیست. یکی از این جمالت: «والله ما ظننت أن مثله هذا علی صغر سنه یقدر یتکلم فوق المنبر بکلمه واحده» به لحاظ تاریخی بعید است؛ زیرا امام حسن علیه السلام در آن زمان بیش از ۳۸ سال داشته اند.

ردیف	نقل طریحی	مناقب ابن شهر آشوب
۱	روی أن عمر بن العاص قال لمعاوية بن أبي سفيان: يا معاوية لم لا تأمر الحسن بن علي... و تطيبه.	الْعَدُّ عَنْ ابْنِ عَبْدِ رَبِّهِ الْأَنْدَلِسِيِّ وَ كِتَابِ الْمَدَائِنِيِّ أَيْضًا أَنَّهُ قَالَ عَمْرُو بْنُ عَاصٍ لِمُعَاوِيَةَ لَوْ أَمَرْتَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ... وَ فِي رِوَايَةِ الْمَدَائِنِيِّ... وَ يُطَيَّبُهُ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۱/۴-۱۲).
۲	ثم استمر في كلامه و قال: أيها الناس؛ أنا ابن المروة و الصفا... أنا ابن عديّات العيوب... و أنت تغصنا ما هو لنا و لا ترد إلينا حقنا.	الْمُنْهَالُ بْنُ عَمْرٍو إِنَّ مُعَاوِيَةَ سَأَلَ الْحَسَنَ <small>علیه السلام</small> أَنْ يَضَعَدَ الْمُنْتَزِرَ... ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَنِي... وَ أَنَا ابْنُ الْمَرْوَةِ وَ الصَّفَا... أَنَا ابْنُ قَلِيلَاتِ الْعُيُوبِ... يَطْلُبُونَ حَقَّنَا وَ لَا يَزِدُّونَ إِلَيْنَا حَقَّنَا (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۲/۴).
۳	فقال معاوية: يا حسن أنا خير منك!... كما برأك من فضائل يا معاوية.	وَ قَالَ مُعَاوِيَةَ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَا أَحَبُّ مِنْكَ يَا حَسَنُ... كَمَا بَرَأَكَ مِنَ الْفَضَائِلِ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲۲/۴).
۴	قال: فقام يزيد بن معاوية و قال يا حسن: انى منذ صرت أبغضك... لقوله تعالى: «و شاركهم في الأموال و الأموال» و اعلم يا يزيد لا يبغضنا الا من خبت أصله و كان من ابليس نسله. فقال معاوية: يا عمرو بن العاص هذه مشورتك لنا فقال عمرو: و الله ما ظننت أن مثله هذا على صغر سنه يقدر يتكلم فوق المنبر بكلمة واحدة و لكنه لا شك من معدن الفصاحة و من بيت الكرم و السماحة.	كِتَابِ الشَّيْبَازِيِّ رَوَى سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ عَنْ وَاصِلٍ عَنِ الْحَسَنِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ أَنَّهُ جَلَسَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ <small>علیه السلام</small> وَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ يَأْكُلَانِ الرُّطْبَ فَقَالَ يَزِيدُ يَا حَسَنُ إِنِّي مُنْذُ كُنْتُ أَبْغِضُكَ... لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ... (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲۲/۴).
۵	قال معاوية: و أنا أيضا أفتخر و أقول أنا ابن بطحاء مكة... و هي لك تصديق	أَخْبَارِ أَبِي حَاتِمٍ أَنَّ مُعَاوِيَةَ فَخَرَ يَوْمًا فَقَالَ أَنَا ابْنُ بَطْحَاءِ مَكَّةَ... وَ هِيَ لَكَ تَصْدِيقٌ فَقَالَ

ردیف	نقل طریحی	مناقب ابن شهر آشوب
	فتعجب الحاضرون من كلام الحسن عليه السلام وأجوبته و حسن براعته (طریحی، ۱۴۲۸: ۱۸۳-۱۸۵).	الحَسَنُ <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small> ... (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲۱/۴-۲۲).

## ۲. تحریف متن روایات

### الف) افزودن مقدمه و مؤخره به متن روایات

در بسیاری از روایات طریحی، مقدمه یا پایانی افزوده شده که در منابع متقدم دیده نمی‌شود. ظاهراً افزودن این مقدمات و مؤخرات در راستای داستانی سازی روایات و ایجاد تناسب با فضای منبر است. در نمونه زیر، دو حدیث با سند کاملاً متفاوت با هم ترکیب شده و برای برقراری اتصال حروف عطف به ردیف دوم افزوده شده است. در ردیف یک جملاتی که زیر آنها خط کشیده شده، به عنوان مقدمه افزوده تا روایت شکل داستانی تری به خود بگیرد.

ردیف	المنتخب طریحی	منابع اصلی
۱	روی فی الخبر عن سید البشر صلی الله علیه و آله و سلم أنه كان يقول للحسن و الحسين: أنتما زینة عرش الرحمن أنتما اللؤلؤة و المرجان فقیل له: یا رسول الله و کیف ذلك و کیف یكونان تزین عرش الرحمن؟ فقال النبی صلی الله علیه و آله و سلم اذا كان یوم القیامة. یزین عرش رب العالمین... کما تزین المرأة قرطهاها.	... عن ابن عمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ <small>صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ زُيِّنَ عَرْشُ رَبِّ الْعَالَمِينَ... كَمَا يُزَيَّنُ الْمَرْأَةُ قُرْطَاهَا (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۱۲).
۲	ثم قال صلی الله علیه و آله و سلم: و یوضع یوم القیامة منابر... فقد أودیتم فی دار الدنيا (طریحی، ۱۴۲۸: ۱۴۵).	... وَ يَأْتِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ <small>صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> تُوَضَّعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنَابِرٌ... فَقَدْ أُوذِيْتُمْ فِي الدُّنْيَا (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۶۰/۲).

در تسلیه المجالس حدیث پیشگویی شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ از زبان کعب الأحبار در حدود ۷۳ کلمه روایت شده است (موسوی کرکی، ۱۴۱۸: ۱۱۶/۲). اما در المنتخب، تتمه‌ای با بیش از ۳۷ کلمه به آن افزوده شده است (طریحی، ۱۴۲۸: ۵۲-۵۳). در این تتمه با تأکید بر نام کعب الأحبار در عباراتی چون: «فَقِيلَ يَا كَعْبُ»، «فَوَالَّذِي نَفْسُ كَعْبٍ



بیدیه» و «ثُمَّ قَالَ كَعْبٌ»، برپیوستگی آن با ابتدای حدیث تأکید شده است. نمونه دیگر، حکایت حاجی ای است که زنی به او مقداری ریسمان بافته داده بود تا به خادمان کعبه بدهد تا با آن جامه کعبه را بدوزند؛ اما آن حاجی به دستور امام علیه السلام، آن را فروخت و معجون درست کرد و میان شیعیان پخش کرد تا شفای بیماران باشد (طریحی، ۱۴۲۸: ۶۸). اصل این روایت در منابع کهن آمده است (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۵۰۰). اما طریحی جمله‌ای به پایان افزوده است که در هیچ منبعی دیده نمی‌شود و ظاهراً برای تکمیل داستان است: «ففعلت ما أمرني مولاي فكل مريض أخذ منه شفي باذن الله تعالى».

طریحی (۱۴۲۸: ۲۱۲-۲۱۳) داستان یک اعرابی که از یمن به زیارت امام حسین علیه السلام آمده بود را با ذکر جزئیاتی که در هیچ منبع دیگری نیامده در کتابش آورده است. این داستان پیش‌تر در منابعی آمده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۶۳؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۹۳؛ ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۳۳۲؛ موسوی کرکی، ۱۴۱۸: ۲/۵۲۵). در پایان نقل طریحی، مؤخره‌ای افزوده شده که صرفاً کارکرد داستانی دارد: «فقال الرجل: اذا كان هذا فضل زياره الحسين عليه السلام فوالله لا أفارقه حتى أموت قال: ولم يزل الرجل لا نذا بقبر الحسين عليه السلام حتى أتاه الموت».

در برخی موارد طریحی (۱۴۲۸: ۸۰-۸۱) به منبع خود تصریح کرده که کشف اضافات را ساده‌تر می‌کند. برای نمونه روایت کرده است: «وعن أبي السعادات قال: خرج النبي ص من بيت عائشه... فقال لها: يا فاطمه سكتيه ألم تعلمي أن بكاءه يؤذيني؟ أخذته اليه ومسح الدموع عن عينيه وقبله وضمه اليه ص». ابن شهر آشوب (۱۳۷۹: ۴/۷۱) همین روایت را از فضائل العشرة ابوالسعادات نقل کرده ولی جملاتی که زیر آنها خط کشیده شده را ندارد و در منابع دیگر نیز دیده نمی‌شود (برای نمونه نک. ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۴/۱۷۱).

طریحی برای پردازش مؤخره گاه از روایات دیگر استفاده کرده و در واقع دست به تلفیق زده است. برای نمونه در مناقب آل ابی طالب حدیثی در ۳۵ کلمه نقل شده که همین حدیث در المنتخب به ابن عباس منسوب شده و شمار کلمات آن به ۲۹۰ رسیده است. چنان که در ردیف دوم جدول زیر مشاهده می‌شود، جملاتی که در نقل طریحی به عنوان

سخن جبرئیل خطاب به رسول خدا ﷺ افزوده شده، در منابع کهن به عنوان سخن امام صادق علیه السلام خطاب به فضیل بن عیاض روایت شده است.

منابع دیگر	نقل طریحی
مِنْ إِيْتَارِهِمَا عَلَى نَفْسِهِ ص أَنَّهُ قَالَ: عَطَشَ الْمُسْلِمُونَ... ثُمَّ دَعَا الْحُسَيْنَ فَأَعْطَاهُ لِسَانَهُ فَمَضَّهُ حَتَّى ارْتَوَى (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳/۳۸۴-۳۸۵).	عن ابن عباس رضی الله عنه قال: عطش المسلمون... ثم دعا بالحسين فأعطاه أيضا لسانه فمضه حتى روى...
... عَنْ فَضِيلِ بْنِ عِيَاضٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ <small>عليه السلام</small> عَنْ أَشْيَاءَ مِنَ الْمَكَايِبِ... فَقَالَ يَا فَضِيلُ... إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَمَدَ نَفْسِهِ عَلَى هَلَكَ الظَّالِمِينَ فَقَالَ فَطُغِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (كليني، ۱۴۰۷: ۵/۱۰۸).	ثم قال جبرائيل عليه السلام: يا محمد ان الله عزوجل حمد نفسه عند هلاك الظالمين حيث قال: و قطع دابر القوم الذين ظلموا و الحمد لله رب العالمين... من الأولين و الآخرين (طريحي، ۱۴۲۸: ۱۷۷-۱۷۸).

#### ب) نقل به معنا، اضافات توضیحی و پرورش متون

گاه تغییراتی که در نقل طریحی رخ داده از نوع نقل به معنا است. برای نمونه متن شیخ صدوق درباره شهادت ائمه (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۹۷-۹۹) را نقل به معنا کرده و در انتهای آن افزوده است: «وأما القائم المهدي فروى أنه هرب خوفا من المتوكل لأنه أراد قتله» (طریحی، ۱۴۲۸: ۵). در حالی که متوکل در سال ۲۴۷ ق (طبری، ۱۳۸۷: ۹/۲۲۲) و پیش از ولادت امام مهدی علیه السلام کشته شده است. گاهی نیز در متن روایت، برخی کلمات تغییر داده شده یا جزئیاتی برای توضیح بیشتر یا تکمیل داستان افزوده شده است که تحریف عمده به شمار نمی رود. این گونه تغییرات در المنتخب بسیار است. داستان آمدن خرماهای بهشتی برای اهل بیت علیهم السلام (طریحی، ۱۴۲۸: ۲۰؛ قس: نوادر المعجزات، ۱۴۲۷: ۱۸۵)؛ روایت شعرخوانی ابوهارون مکفوف (طریحی، ۱۴۲۸: ۲۶؛ قس: ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۴؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۸۴)؛ حدیث سه طایفه ای که بر امام حسین علیه السلام گریه نکردند (طریحی، ۱۴۲۸: ۳۷؛ قس: ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۸۰، ۱۹۸)؛ گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت زهرا علیها السلام (طریحی، ۱۴۲۸: ۳۲؛ قس: طوسی، ۱۴۱۴: ۱۸۸)؛ روایت اعمش درباره زیارت امام حسین علیه السلام در شب جمعه (طریحی، ۱۴۲۸: ۱۷۸؛ قس: ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۳۳۰؛ موسوی کرکی، ۱۴۱۸: ۲/۵۲۳)؛ روایت ساربانی که انگشت امام علیه السلام را برید (طریحی،



۱۴۲۸: ۸۵-۸۷ قس: خصیصی، ۱۴۱۹: ۲۰۷-۲۰۹)، نمونه‌هایی برای این نوع هستند. این تصرّفات گاه موجب تحریف پیام کلی روایت شده است. برای نمونه روایت نجات مختار ثقفی از دوزخ به شفاعت امام حسین علیه السلام در سرائر ابن ادریس در ۱۴۰ کلمه نقل شده است. همین روایت در نقل طریحی با افزودن جزئیات به ۲۰۹ کلمه رسیده است که برخی از این اضافات در جدول زیر دیده می‌شود. برخی کلمات نیز نظیر «کانه عقاب کاسر» به «کالبرق الخاطف» تغییر کرده در حالی که طریحی (۱۳۷۵: ۳/ ۴۷۳) به متن اصلی دسترسی داشته است.

<p>... عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَرَّرَ رَسُولُ اللَّهِ بِشَفِيرِ النَّارِ... قَالَ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَمَنْ هَذَا جَعَلْتُ فِذَاكَ قَالَ الْمُخْتَارُ قُلْتُ لَهُ وَلِمَ عَذَّبَ بِالنَّارِ وَقَدْ فَعَلَ مَا فَعَلَ قَالَ إِنَّهُ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِنْهُمَا شَيْءٌ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَوْ أَنَّ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ كَانَ فِي قَلْبِهِمَا شَيْءٌ لَأَكْتَبَهُمَا اللَّهُ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمَا (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۳/ ۵۶۶-۵۶۷).</p>	<p>وفی الخبر عن الصادق (علیه السلام) قال: إذا كان يوم القيامة يمرّ رسول الله بشفير جهنم... فُسئِلَ الصادق <small>علیه السلام</small>: يا بن رسول الله، فليّم أدخل المختار النار وهو من الأخيار والشبيعة الأبرار، وأفضل الأنصار لأهل بيت النبي المختار؟! فقال (عليه السلام): إن المختار كان يحبّ السلطنة وكان يحبّ الدنيا وزينتها وزخرفها وأنّ حبّ الدنيا رأس كل خطيئة؛ لأنّ رسول الله <small>صلّى الله عليه وآله</small> قال: والذى بعثنى بالحقّ نبياً لو أنّ جبرائيل أو ميكائيل كان فى قلبهما ذرّة من حبّ الدنيا، لأكتبهما الله على وجوههما فى نار جهنم (طريحي، ۱۴۲۸: ۱۴۲-۱۴۳).</p>
---	--

در نقل سرائر مرجع ضمير «هما» روشن نیست؛ چنان که در تهذيب الأحكام نیز روایت مشابهی آمده و در آن نیز مرجع ضمير معلوم نیست: «... وَلَوْ شَقَّ عَنْ قَلْبِهِ لَوَجَدَ حُبَّهُمَا فِي قَلْبِهِ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۶۶). اما متبادر از آن چنان که حدیث شناسان نیز تذکر داده‌اند، حبّ شیخین است. اما برخی نیز پنداشته‌اند که مقصود حب ریاست و مال است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/ ۳۴۶). این برداشت برخلاف ظاهر روایت است و نیز در این صورت وجهی برای بیان کنایه و ابهام در مرجع ضمير متصوّر نیست. اما طریحی که چنین برداشتی داشته، هم در متن روایت بر این تأکید کرده که مختار از بهترین شیعیان بوده و هم به جای ضمير مثنی، تصریح به سلطنت و دنیا را قرار داده و درباره آن توضیحاتی افزوده است. بنابراین تصرّفات طریحی گاه از حدّ شرح و نقل به معنا فراتر رفته و به تحریف انجامیده است.

### ج) اضافات و تغییرات جهت‌دار

گاهی اضافات و تغییراتِ طریحی از حدّ شرح و نقل به معنا هم فراتر می‌رود و انگیزه و جهت‌گیری فکری-اعتقادی در آن نمایان است. در یکی از نوادرِ طریحی (۱۴۲۸: ۱۵۴) آمده است: «وروی أيضا أن رجلا جاء الى رسول الله فوقف بين يديه فقال يا رسول الله: انى أحب الله عزوجل، فقال: استعد للبلاء. فقال يا رسول الله: وانى أحبك. فقال له: استعد للفقر، فقال: وانى أحب على بن أبى طالب، فقال: استعد لكثيره الأعداء». این در حالی است که اصل این روایت در منابع عرفانی متقدّم بدون فقره سوم (حبّ امیرالمؤمنین علیه السلام) آمده است (مکی، ۱۴۲۶: ۲/ ۸۳؛ غزالی، بی تا: ۴/ ۲۹۵؛ ورام، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۲۳). البته در اینکه طریحی خود مسئول این الحاق بوده یا از منبعی استفاده کرده، تردید وجود دارد اما نمونه‌های روشن‌تری نیز در دست است که در جدول زیر نشان داده شده است.

نقل طریحی	نقل شیخ طوسی
<p>روى عن الصادق (عليه السلام) أنه إذا هل هلال عاشوراء اشتدّ حزنه وعظم بكاؤه على مصاب جدّه الحسين (عليه السلام) والناس يأتون إليه من كلّ جانب ومكان؛ يُعزّونه بالحسين ويبكون وينوحون على مصاب الحسين (عليه السلام) فإذا فرغوا من البكاء يقول لهم: أيها الناس اعلّموا أنّ الحسين حىّ عند ربّه يرزق من حيث يشاء، وهو (عليه السلام) دائماً ينظر إلى موضع عسكره ومصرعه ومن حلّ فيه من الشهداء، وينظر إلى زوّاره والباكين عليه والمقيمين العزاء عليه، وهو أعرف بهم وباسمائهم واسماء آبائهم وبدرجاتهم ومنازلهم فى الجتّة، وإنّه ليرى من يبكى عليه فيستغفر له ويسأل جدّه وأباه وأمّه وأخاه أن يستغفروا للباكين على مصابه والمقيمين عزاءه ويقول: لو يعلم زائرى والباكى علىّ ما له من الأجر عند الله تعالى لكان فرحه أكثر من جزعه وأنّ زائرى والباكى علىّ لينقلب إلى أهله مسروراً وما يقوم من مجلسه إلاّ وما عليه ذنب وصار كيوم ولدته أمّه (طریحی، ۱۴۲۸: ۳۷).</p>	<p>... سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) يَقُولُ: إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) عِنْدَ رَبِّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) يَنْظُرُ إِلَى مَوْضِعِ مُعْسِكَرِهِ، وَ مَنْ حَلَّهُ مِنَ الشُّهَدَاءِ مَعَهُ، وَ يَنْظُرُ إِلَى زُورَاهُ وَ هُوَ أَعْرَفُ بِحَالِهِمْ وَ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ، وَ بِدَرَجَاتِهِمْ وَ مَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) مِنْ أَحَدِكُمْ بِوَلَدِهِ، وَ إِنَّهُ لَيَرَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ يَسْأَلُ آبَاءَهُ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لَهُ، وَ يَقُولُ: لَوْ يَعْلَمُ زَائِرِي مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ لَكَانَ فَرَحُهُ أَكْثَرَ مِنْ جَزَعِهِ، وَإِنَّ زَائِرَهُ لَيُنْقَلِبُ وَ مَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۴-۵۵).</p>

مقایسه دو تحریر طریحی و شیخ طوسی نشان می‌دهد که سه تغییر مهم در روایت





طریحی صورت گرفته است: الف) افزودن برخی اضافات و توضیحات برای برانگیختن احساسات و اثرگذاری بیشتر؛ ب) افزودن مقدمه‌ای خیالی به روایت. در این مقدمه برگزاری مجالس پرشور عزاداری به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده که از نظر تاریخی قابل دفاع نیست. این مقدمه همسوبا هدف کلی کتاب، یعنی تشویق به برپایی مجالس عزاست. عبارت «هَلْ هَلال عاشوراء» در این مقدمه غلط است؛ زیرا هلال مربوط به تعیین آغاز ماه، در این جا محرم، است نه روز؛ ج) در متن اصلی تنها سخن از زیارت است، اما طریحی در همه جا «گریه و عزاداری» را به زیارت ملحق کرده است، که این نیز همسوبا هدف اصلی کتاب است. چنین تحریفی را در جدول زیر نیز مشاهده می‌کنیم. بنا بر منابع متقدم، در این حدیث نیز تنها سخن از زیارت است، اما در نقل طریحی متناسب با هدف کتاب، گریه و ندبه و نوحه به زیارت ملحق شده است.

روى أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم كان ذات يوم جالسا وحوله علي يوم جالسا وحوله علي... يزورون قبوركم و يبكون عليكم و يندبون و ينوحون حزنا علي مصابكم يريدون بذلك بركي و صلتى... فأخلصهم من أهوال يوم القيامة و شدائدها (طریحی، ۱۴۲۸: ۷۹).	وَ رَوَى أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى ص كَانَ ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسًا وَ حَوْلَهُ عَلِيُّ وَ ... قَالَ فَهَلْ يَزُورُنَا بَعْدَ قَتْلِنَا أَحَدًا قَالَ نَعَمْ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُرِيدُونَ بِزِيَارَتِكُمْ بِرِّي وَ صِلَتِي... فَأَخْلَصَهُمْ مِنْ أَهْوَالِهِ وَ شَدَائِدِهِ (مفيد، ۱۴۱۳: ۱۳۱/۲).
--	---

نمونه دیگر، روایت بشار بن عبدالله (طریحی، ۱۴۲۸: ۴۲) یا همان بشار المکاری (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۱۳۷) است. در تحریر طریحی نسبت به منابع پیشین تغییراتی صورت گرفته که فراتر از اختصار و نقل به معنا است. به تفاوت معنادار این بخش از داستان توجه کنید:

نقل طریحی	نقل ابن مشهدی
فخرت ساجدة لله ساعه و رفعت رأسها و قالت: أفرأني مولاي السلام؟ نعم فسجدت لله شكرا حتى فعلت ذلك ثلاث مرات (طریحی، ۱۴۲۸: ۴۳).	فَشَهَقَتْ وَ وَقَعَتْ مَعْشِيَةً عَلَيْهَا، قَالَ: فَصَبْرْنَا حَتَّى أَفَاقَتْ وَ قَالَتْ: أَعِدْهَا عَلَيَّ، فَأَعَدْنَا عَلَيْهَا حَتَّى فَعَلَتْ ذَلِكَ ثَلَاثًا (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۱۳۹).

چنان‌که می‌بینیم در نقل طریحی، نعره کشیدن یا گریبان دریدن<sup>۱</sup> و غش کردن به

۱. در برخی مصادر «فشهقت» (ابن مکی، ۱۴۱۰: ۲۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴۲/۹۷) و در برخی «فشقت جیبها» آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۷/۳۸۰؛ جزائری، ۱۴۲۷: ۲/۲۵۷).

سجده شکر تبدیل شده است. ظاهراً در زمان طریحی، چنین رفتار صوفیانه‌ای آن هم برای یک زن، ناپسند و خلاف حیا به نظر می‌رسیده و بدآموزی داشته؛ لذا به یک عمل شرعی پسندیده تبدیل شده است!

### ۳. تحریف اسناد روایات

علاوه بر تغییراتِ متنی، طریحی در سندِ روایات نیز تغییراتی داده است. این تغییرات گاه توجیهاات ساده‌ای دارد. سند یک روایت از طاوس یمانی در مناقب آل ابی طالب به متن روایتی که با فاصله پس از آن آمده چسبیده است (طریحی، ۱۴۲۸: ۱۸۶؛ قس: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۷۵/۴) که می‌تواند سهوی باشد. یا روایتِ مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۸-۳۹؛ عبدالکریم بن احمد، بی تا: ۷۴) به ابوشعبیب خراسانی نسبت داده شده است. در حالی که ابوشعبیب راوی حدیثی از امام رضا علیه السلام درباره زیارت امیرالمؤمنین است (همان، ۱۰۴). با توجه به اتحاد موضوع در روایت، این تحریف نیز می‌تواند سهوی بوده باشد.

نمونه دیگر «روی عن ابن محبوب رضی الله عنه، قال: خرجت من الكوفة قاصداً زیارة الحُسنین (علیه السلام) فی زمان ولایة آل مروان...» است (طریحی، ۱۴۲۸: ۲۱۲). در میان داستان نیز خطاب «یا ابن محبوب» دیده می‌شود؛ در حالی که ابن محبوب اصلاً زمان آل مروان را درک نکرده و این حکایت در اصل مربوط به حسین نوه دختری ابوحمره ثمالی است که حسن بن محبوب از او روایت کرده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۱۱-۱۱۳). منشأ اشتباه طریحی، اختلال در سند این روایت در تسلیة المجالس است (نک. موسوی کرکی، ۱۴۱۸: ۲/۵۳۳).

نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که احتمال سهو در آن بعید است. درالمنتخب آمده است: «روی فی بعض الأخبار عن حذیفة الیمانی قال: مرّ ابن عبّاس علی قوم من بنی أمیّة، فسمعهم یسبّون علی بن أبی طالب علیه السلام وکان ابن عبّاس مکفوف البصر کبیر السن...» (طریحی، ۱۴۲۸: ۱۹۸). این ماجرا نزد اهل حدیث از سنی و شیعه از طریق سعید بن جبیر یا دیگران مشهور است (برای نمونه نک. ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۹۷؛ آجری، ۱۴۲۰: ۴/۲۰۶۰). اما انتساب آن به حذیفة الیمانی، غلط فاحشی است؛ زیرا روایت



حذیفه از ابن عباس ممکن نیست. ضمن این که حذیفه در روزهای آغاز حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام و قبل از جنگ جمل از دنیا رفته است؛ در حالی که ماجرای ابن عباس مربوط به سن پیری او و سال‌ها پس از مرگ حذیفه است. مشابه این تحریف در این روایت نیز دیده می‌شود: «روی عن ابن عباس أنه قال: والله لقد رأيت جابر الأنصاري وهو يمشي في سلك المدينة... فمن أبي فانظروا في شأن أمه (طريحي، ۱۴۲۸: ۱۹۹). ابن عباس از راویان جابرا نصاری نیست و راوی این ماجرا در اصل ابوزبیر مکی است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱۴۲/۱). به نظر می‌رسد این تحریفات با این هدف صورت گرفته که روایات به افراد مشهورتر و شاخص‌تر در میان شیعه نسبت داده شود. جدول زیر گواهی این مدعا است:

ردیف	نقل طریحی	نقل شیخ مفید
۱	و عن سلمان الفارسي أنه قال: كان سيدنا أمير المؤمنين عليه السلام يحدثنا كثيرا بالأشياء و المغيبات التي تحدث على مرور السنين و الأوقات و أنه يوم الجمعة يخطب على منبره في جامع الكوفة فقال في خطبته: أيها الناس سلوني قبل أن تفتدوني... فقام إليه رجل فاجر فاسق و قال له: يا علي أخبرني كم في رأسي و لحيتي... فلما نشأ و كبر و كان من أمر الحسين ما كان نمي الصبي و تجبر و تولى قتل الحسين عليه السلام (طريحي، ۱۴۲۸: ۱۵۱-۱۵۲).	... عَنْ أَبِي الْحَكَمِ قَالَ سَمِعْتُ مَشِيحَتَنَا وَ عَلَمَاءَنَا يَقُولُونَ خَطَبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ <small>عليه السلام</small> فَقَالَ فِي خُطْبَتِهِ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْتَدُونِي... فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ أَخْبِرْنِي كَمْ فِي رَأْسِي وَ لِحْيَتِي... فَلَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ <small>عليه السلام</small> مَا كَانَ تَوَلَّى قَتْلَهُ وَ كَانَ الْأَمْرُ كَمَا قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ <small>عليه السلام</small> (مفيد، ۱۴۱۳: ۳۳۰/۱-۳۳۱).
۲	روی عن أبي ذر الغفاري قال: كان سیدی علی بن ابی طالب يحدثنا فی بعض الأوقات بالمغيبات فبينما نحن جلوس معه فی جامع الكوفة اذ دخل إليه رجل و سلم عليه و قال له: يا أمير المؤمنين اني مررت بوادي القرى... حتى دخل مسجد الكوفة من باب الفيل كما أخبر أمير المؤمنين <small>عليه السلام</small> (طريحي، ۱۴۲۸: ۱۵۷).	... عَنْ سُوَيْدِ بْنِ غَفَلَةَ أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ <small>عليه السلام</small> فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي مَرَرْتُ بِوَادِي الْقَرْيَةِ... حَتَّى دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ مِنْ بَابِ الْفِيلِ (مفيد، ۱۴۱۳: ۳۲۹/۱).
۳	ومن اخباره بالمغيبات: أنه عليه السلام التفت الى البراء بن عازب، وقال له: يا بن عازب يقتل ولدى الحسين وأنت حي حاضر ولم تنصره... وظل يكثر الحسرة والندم مده عمره (طريحي، ۱۴۲۸: ۱۵۷).	... عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا <small>عليه السلام</small> قَالَ لِلْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ يَوْمًا يَا بَرَاءُ يُقْتَلُ ابْنِي الْحُسَيْنِ <small>عليه السلام</small> وَأَنْتَ حَيٌّ لَا تَنْصُرُهُ... ثُمَّ يُظْهِرُ الْحَسْرَةَ عَلَى ذَلِكَ وَ النَّدَمَ (مفيد، ۱۴۱۳: ۳۳۱/۱).

این جدول و ترتیب روایات آن نشان می‌دهد که طریحی از/ارشاد مفید، یا منبعی که از آن نقل کرده، بهره برده اما جزئیاتی به روایات افزوده است. در ردیف اول مقدمه‌های مشابهی افزوده شده است که در/ارشاد مفید و نیز منابع دیگر یافت نمی‌شود (برای روایت اول نک. ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲/۲۸۶؛ برای روایت دوم نک. صفار، ۱۴۰۴: ۱/۲۹۸).

از سوی دیگر ردیف یک و دو، برخلاف منبع اصلی به سلمان و ابوذر نسبت داده شده است. این نسبت در هیچ منبع دیگری دیده نمی‌شود و از نظر تاریخی نیز ممکن نیست زیرا سلمان و ابوذر حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام را درک نکرده‌اند. ظاهراً جایگاه ویژه سلمان و ابوذر نزد شیعه باعث شده که این تحریف صورت گیرد.

نمونه دیگر روایت بسیار مشهور به این مضمون است: مردی عراقی از ابن عمر درباره ریختن خون پشه یا مگس در حال احرام پرسید و ابن عمر پاسخ داد: به این نگاه کنید از خون پشه / مگس از من می‌پرسد در حالی که پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله را کشته‌اند و من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود حسن و حسین دوریخانه من از دنیا بمانند (بخاری، ۴۱۲۲: ۵/۲۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۴۳). درالمنتخب همین روایت به جای ابن عمر به ابن عباس نسبت داده شده و متن کوتاه آن نیز بسیار پرورش یافته و به حدود ۲۶۰ کلمه رسیده است (طریحی، ۱۴۲۸: ۱۵۰). در انتهای همین روایت آمده است: «فقلت یا رسول الله ای أهل بیتک أحب الیک؟... فیضمهما الیه و یشمهما و یقبلهما». در حالی که این فقره در واقع روایتی منسوب به انس بن مالک است (اربلی، ۱۳۸۱: ۱/۵۲۰) و نیز آمده: «و یقول: أحب الله من أحب... یخرجه عن الایمان» که این بخش نیز برگرفته از روایت ابوذر غفاری است (نک. ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۵۱، ح ۴).

### نتیجه

با توجه به آنچه گذشت، طریحی علاوه بر آنکه به منابع نامعتبر اعتماد کرده و روایات ضعیف آنها را نقل کرده است؛ ظاهراً خود نیز در تحریف روایات نقش داشته است. تحریفات موجود در روایات طریحی از الگوهای ثابتی پیروی می‌کند. یکی از مهم‌ترین این الگوها تلفیق روایات از منابع گوناگون یا منبع مشترک است. اندکی از این موارد، با سهو،

اجتهاد یا تجمیع قابل توجیه است؛ اما در اکثر موارد، نشانه‌هایی بر تحریف آگاهانه و عمدی مانند کاستن، افزودن یا جایگزینی کلمات و جملات برای برقراری ارتباط میان فقرات؛ عدم احتمال سهو به دلیل روشن بودن جدایی فقرات و نظایر اینها دیده می‌شود. یکی دیگر از الگوهای تحریف درالمنتخب، افزودن مقدمه و پایان برای شکل داستانی دادن به روایات است. در این راستا در میان متن نیز کلماتی افزوده شده است. همچنین طریحی توضیحات اجتهادی خود را در میان روایات افزوده است که گاه منجر به تحریف محتوای کلی روایت شده است. برخی افزوده‌های طریحی نیز جهت فکری و اعتقادی دارد. درالمنتخب اسناد روایات نیز دستخوش تحریف شده است. این تحریفات گاه، می‌تواند ناشی از سهو و خلط باشد؛ اما در مواردی نیز آگاهانه و عمدی بوده است. یکی از انگیزه‌های چنین تحریف، انتساب روایات به صحابه شناخته شده و مورد علاقه در میان عموم شیعه بوده است. در بیشتر تحریفات موجود درالمنتخب، قرائن تعدد و هوشمندی دیده می‌شود. همچنین این تغییرات را نمی‌توان به نقل از حافظه مربوط دانست؛ زیرا متون روایات، طولانی، مفصل و دقیق است و مقایسه آنها با منابع دیگر نشان می‌دهد که کاملاً بر پایه متون مکتوب شکل گرفته‌اند. این تحریفات را نمی‌توان به منابع طریحی نسبت داد؛ چراکه در منابع متعدد طریحی الگوهای مشترک و تکراری دیده می‌شود. همچنین در حد جستجوی نگارنده، منبع مکتوب متقدمی که شامل این تحریفات باشد، یافت نشد. از طرف دیگر این تحریفات را نمی‌توان به زمان‌های متأخر از طریحی نسبت داد؛ زیرا نویسندگان معاصر و نزدیک به او همین روایات را از طریحی نقل کرده‌اند.

#### منابع

- آجری، ابوبکر (۱۴۲۰ق)، الشریعة، ریاض، دارالوطن.
- آلاندوزلی، محمد (۱۳۸۱ش)، «کتابشناسی توصیفی-انتقادی پیرامون تحریف‌های عاشورا»، آئینه پژوهش، شماره ۷۷-۷۸، ص ۱۵۹-۱۸۵.
- ابن أبی الحدید، عبد الحمید (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغة، قم، کتابخانه مرعشی.
- ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر (المستطرفات)، قم، دفتر انتشارات

- اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الأمالی*، تهران، کتابچی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق)، *إعتقادات الإمامية*، قم، کنگره شیخ مفید.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ق)، *ثواب الأعمال وعقاب الأعمال*، قم، دارالشریف الرضی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ش)، *علل الشرائع*، قم، داوری.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ش)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران، نشر جهان.
- ابن شاذان، محمد بن احمد (۱۴۰۷ق)، *مائة منقبة*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل أبی طالب*، قم، علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۰ق)، *الطرائف*، قم، خیام.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۸ش)، *اللہوف*، تهران، جهان.
- ابن طیفور، احمد (بی تا)، *بلاغات النساء*، قم، الشریف الرضی.
- ابن عساکر، ابوالقاسم (۱۴۱۵ق)، *تاریخ دمشق*، بیروت، دارالفکر.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، *کامل الزیارات*، نجف، دارالمرتضویة.
- ابن مشهدی، محمد (۱۴۱۹ق)، *المنزار الكبير*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن مطهر حلّی، حسن (۱۴۱۱ق)، *کشف الیقین*، تهران، وزارت ارشاد.
- ابن مکی (شهید اول)، محمد (۱۴۱۰ق)، *المنزار*، قم، مدرسه امام مهدی.
- *أخبار الدولة العباسية* (بی تا)، تحقیق عبد العزیز الدوری، بیروت، دارالطلیعة.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمة*، تبریز، بنی هاشمی.
- استرآبادی، محمد بن القاسم (۱۴۰۹ق)، *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري علیه السلام*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
- اسفندیاری، محمد (۱۳۸۰ش)، *کتابشناسی تاریخی امام حسین علیه السلام*، تهران، وزارت ارشاد.
- افندی، عبد الله (۱۴۰۱ق)، *ریاض العلماء*، قم، خیام.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۳ق)، *مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية.

- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، الصحیح، بیروت، طوق النجاة.
- برسی، رجب (۱۴۲۲ق)، مشارق أنوار الیقین، بیروت، أعلمی.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم، الإسلامية.
- جزائری، نعمت الله (۱۴۲۷ق)، ریاض الأبرار، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی.
- جعفریان، رسول وروح الله توحیدی نیا (۱۳۹۶ش)، «بازخوانی دیدگاه‌ها و مناقشات درباب روایت شیخ طریحی از حدیث کساء»، فصلنامه علوم حدیث، سال ۲۲، شماره ۴، ص ۳۱-۵۰.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۸۵ق)، أمل الآمل، بغداد، مكتبة الأندلس.
- حسینی، سید عبد الله (۱۳۸۸ش)، معرفی و نقد منابع عاشورا، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۹ق)، الهدایة الكبرى، بیروت، البلاغ.
- راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ق)، قصص الأنبياء، مشهد، مرکز پژوهش های اسلامی.
- رفعت، محسن (۱۴۰۰ش)، «بازخوانی و نقد روایت انگاره‌های طریحی درالمنتخب»، شیعہ پژوهی، سال ۷، شماره ۲۰، ص ۱۹۳-۲۲۸.
- شجری، یحیی بن الحسین (۱۴۲۲ق)، ترتیب الأمالی الخمیسیة، به کوشش محمد بن أحمد العیشمی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- صفار، محمد بن الحسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، قم، کتابخانه مرعشی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الرسل والملوک، بیروت، دارالتراث.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۲۸ق)، الفخری المنتخب للطریحی، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی، قم، دارالثقافة.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تهران، الإسلامیه.
- عادل زاده، علی و عمیدرضا اکبری، رمزواره‌های نصیری در کتاب الهدایة الكبرى، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، در دست نشر.

- عبد الكريم بن احمد ابن طاووس (بى تا)، فرحة الغرى، قم، الرضى.
- غزالي، ابو حامد (بى تا)، إحياء علوم الدين، بيروت، دارالمعرفة.
- كلينى، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق)، الكافى، تهران، الإسلامية.
- مجلسى، محمد باقر (١٤٠٣ق)، بحار الأنوار، بيروت، دار إحياء التراث العربى.
- مفيد، محمد بن محمد (١٤١٣ق)، الإرشاد، قم، كنگره شيخ مفيد.
- مكى، ابو طالب (١٤٢٦ق)، قوت القلوب، بيروت، دارالكتب العلمية.
- موسى، سيد حميد (١٤٥١ش)، «ارزيابى صحت سنجى كتب مقاتل امام حسين عليه السلام»، پژوهش نامه معارف حسيني، سال ٧، شماره ٢٦، تابستان.
- موسى كركى، محمد بن أبى طالب (١٤١٨ق)، تسلية المجالس وزينة المجالس، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
- نوادر المعجزات (١٤٢٧)، قم، دليل ما.
- ورام، مسعود بن عيسى (١٤١٥ق)، المجموعة (نزهة الناظر وتنبية الخاطر)، قم، فقيه.

